

Revolution Studies
Vol.01, No.02, Autumn & Winter 2023-24 (Serial 2)

Contexts and Structure of the Formation of Shiite Public Diplomacy in the Islamic Republic of Iran

Mohammed Mahdi Iranfar¹
Naser Hadian²

Doi: 10.22034/fademo.2024.446005.1034

Abstract

As an important part of the public diplomacy and foreign policy of the Islamic Republic of Iran, the Shiite public diplomacy of the Islamic Republic of Iran has fields that have shaped the capacities and limitations of the Shiite public diplomacy of the Islamic Republic of Iran. This has provided strong cultural and ideological grounds to strengthen organized groups in other countries and has created a special strategic position for Iran, which acts as a double-edged sword in the foreign policy structure of the Islamic Republic which has created capacities and at the same time costs for the foreign policy of the Islamic Republic. 3 factors that have shaped the Islamic Republic's Shia public diplomacy are: the soft power of the Islamic Republic of Iran, Iran's strategic position, and decision-making processes in the Islamic Republic's public diplomacy. These areas, with the privileges and challenges they have created, determine the different dimensions of the Shiite public diplomacy of the Islamic Republic and determine the strength and weakness of each of these dimensions. Recognizing and examining these fields is a key factor in understanding Shiite public diplomacy of the Islamic Republic of Iran. In this article, we have identified and investigated its various dimensions.

Keywords: Public diplomacy, shiism, Islamic Republic of Iran, soft power, strategic position.

1. Master's degree in International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Iran. (Corresponding author) Iranfarm2@ut.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Iran. nhadian@ut.ac.ir

زمینه‌ها و ساختار شکل‌گیری دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی ایران

محمد مهدی ایرانفر^۱

Doi: 10.22034/fademo.2024.446005.1034

ناصر هادیان^۲

چکیده: دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی به عنوان بخشی مهم از دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارای زمینه‌هایی است که بر اساس این زمینه‌ها، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های میدان عملیاتی دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی ایران پدید آمده است. این امر، زمینه‌های فرهنگی و ایدئولوژیک قدرتمندی را در جهت تقویت گروه‌های متشکل در سایر کشورها فراهم کرده و یک موقعیت خاص استراتژیک را برای ایران پدید آورده است که به عنوان شمشیری دو لبه در ساختار سیاست خارجی جمهوری اسلامی عمل می‌کند که ظرفیت‌ها و در عین حال هزینه‌هایی را برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی پدید آورده است. ۳ عامل قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، موقعیت استراتژیک ایران و فرآیندهای تصمیم‌سازی در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی، زمینه‌هایی هستند که بر اساس آن‌ها دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است. این زمینه‌ها با امتیازات و چالش‌هایی که پدید آورده‌اند کم و کیف عملیاتی کردن ابعاد مختلف دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی را تعیین کرده و قوت و ضعف هر یک از این ابعاد را تعیین می‌کنند. شناخت و بررسی این زمینه‌ها عاملی کلیدی در درک چیستی و چگونگی دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود که در این مقاله به شناخت و بررسی ابعاد مختلف آن پرداخته‌ایم.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی عمومی، تشیع، جمهوری اسلامی ایران، قدرت نرم، موقعیت استراتژیک.

۱. دانش‌آموخته ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Iranfarm2@ut.ac.ir

۲. استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ایران.
nhadian@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۴

دوفصلنامه انقلاب پژوهی | سال اول، شماره ۲ | پاییز و زمستان ۱۴۰۲ | صفحات ۱۷۰-۱۴۳

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

با وقوع انقلاب اسلامی، با پیشینه فرهنگی و ایدئولوژیک بر پایه تفکرات اسلام شیعی، از ابتدا بحث گسترش ارزش‌های پدیدآورنده انقلاب، فرای مرزهای جغرافیایی در قالب مفاهیمی همچون «صدور انقلاب» مطرح شد. این مفاهیم بر پایه منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی منبعث از ارزش‌های اسلامی- شیعی انقلاب شکل گرفت و ابعادی از آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز در قالب اصول ۲، ۳، ۱۵۲ و ۱۵۴ قانون اساسی بروز و ظهور یافت. جمهوری اسلامی با داعیه رسالتی جهانی بر پایه ارزش‌های اسلامی- شیعی پا به عرصه روابط بین‌الملل گذاشت و در ابعاد گوناگون تأثیرات عمیق و مهمی را در این عرصه پدید آورد، یکی از عرصه‌های مهم جهان دیپلماسی که جمهوری اسلامی به نقش‌آفرینی فعال در آن مشغول است دیپلماسی عمومی است. نتایج حاصل از این فعالیت‌ها تأثیرات عمیقی بر جایگاه جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا و فراتر از آن گذاشته و تهدیدها و فرصت‌های گسترده‌ای را پیش روی جمهوری اسلامی ایران قرار داده است.

دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران بر اساس زمینه‌هایی ۳ گانه شکل گرفته است که به دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی شکل داده است. این زمینه‌های سه گانه عبارت‌اند از قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، موقعیت استراتژیک ایران و فرایندهای تصمیم‌سازی در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی. این زمینه‌ها با ظرفیت‌ها و چالش‌هایی که برای دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی پدید آورده‌اند به ابعاد مختلف نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی در حوزه دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران شکل داده‌اند. در این زمینه جمهوری اسلامی به شکل‌دهی نهادهای بین‌المللی علمی، فرهنگی، آموزشی، سیاسی و نهادهای رسانه‌ای بین‌المللی مبادرت کرده است و در پی تحولات صورت پذیرفته در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی، تمرکز خود را بر ایجاد روابط پایدار و شکل‌دهی به شخصیت‌ها و گروه‌های تأثیرگذار در کشورهای هدف قرار داده است که نتایج حاصل از این فعالیت‌ها تأثیرات عمیقی بر جایگاه جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا و فراتر از آن گذاشته و تهدیدها و فرصت‌های گسترده‌ای را پیش روی جمهوری اسلامی ایران قرار داده است، به صورتی که از یک سو هوادارانی را برای تسهیل پیشبرد سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی

در کشورهای هدف پدید آورده و از سوی دیگر بسیاری از قدرت‌ها را در جهت تحدید این فرایند علیه جمهوری اسلامی بسیج کرده است. در این پژوهش قصد بر این است که در جهت پاسخ به چیستی و چگونگی عملکرد دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی برآییم و به واکاوی زمینه‌های شکل دهنده به دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی بپردازیم و در این چارچوب نهادها و ساختارهای کارگزار و مؤثر در این حوزه را مورد شناسایی و بررسی قرار خواهیم داد.

۱. پیشینه تحقیق

آثار موجود، بر حوزه عملیاتی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی متمرکز شده‌اند و با بررسی سازمان‌ها و نهادهای فعال در این حوزه به تشریح فعالیت‌های دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی با بررسی ابزار و بازیگران موجود، پرداخته‌اند. بر این اساس بیان شده است که دیپلماسی عمومی در وزارت خارجه بیشتر یک دیپلماسی فرهنگی است و به نظر می‌رسد نقش اصلی در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی را سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی بر عهده دارد و وزارت امور خارجه نقش مکمل ایفا می‌کند (داداندیش، ۱۳۹۰، ص. ۳). در دیپلماسی عمومی علاوه بر قدرت نرم به عنوان منبع و نهادهای کارگزار، از ابزار نیز به عنوان یکی از اجزای مهم یاد می‌شود. تبادلات علمی، سفرهای متقابل زیارتی بین مردم منطقه و ایران، تبادلات اقتصادی، خصوصاً نقش ایران در بازسازی مناطق شیعه‌نشین در کشورهای خاورمیانه، دیپلماسی عمومی منطقه‌ای جمهوری اسلامی، مذهب تشیع و مسئله فلسطین از جمله ابزارهای جمهوری اسلامی برای گسترش نفوذ منطقه‌ای خود است (عیوضی، ۱۳۹۵، ص. ۱۲). بخش ابزار و نحوه به کارگیری آن در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی از جمله نقاط ضعف پررنگ در عملکرد آن به شمار می‌رود به طوری که دیپلماسی رسانه‌ای و دیجیتالی در جمهوری اسلامی دارای اشکالات فراوان است که باید مرتفع شود، علاوه بر اهمیت بالای دیپلماسی رسانه‌ای، استفاده از شخصیت‌های ذی نفوذ بین‌المللی مانند روسای پیشین جمهور در ایران، آموزش شهروندان جهت تعاملات بین‌المللی می‌تواند به عنوان دیگر ابزارهای دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی فعال شود و ایدئولوژی اسلامی و مخالفت نهادینه جمهوری اسلامی

با نظام سلطه بین‌المللی می‌تواند به عنوان ظرفیت‌های این روند مورد توجه قرار گیرد (متقی، ۱۳۹۶، ص. ۷۸).

منابع موجود در این دسته، با وجود ارائه اطلاعات مفید در شناسایی بازیگران و ابزار موجود در ساختار دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی، از بررسی تحلیلی عملکرد نهادهای دخیل در این حوزه صرف نظر کرده‌اند. در این راستا در این پژوهش قصد بر این است تا با تمرکز بر شناسایی زمینه‌های حوزه عملکردی دیپلماسی عمومی با تدقیق بر عملکرد نهادها و روشن ساختن نحوه کارکردهای ارتباطی جمهوری اسلامی در حوزه دیپلماسی عمومی تصویری روشن و تحلیلی از حوزه عملکردی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی با تأکید بر تشیع ارائه شود.

۲. مبانی نظری و روش

بسیاری از محققان و متخصصان، دیپلماسی عمومی را با تبلیغات^۱، روابط عمومی، روابط عمومی بین‌المللی و جنگ روانی اشتباه گرفته‌اند؛ و برخی دیگر نیز در تشخیص بین فعالیت‌های دیپلماسی عمومی و دیپلماسی خط دو دچار مشکل‌اند. دانشمندان و متخصصان، اغلب دیپلماسی عمومی را با «قدرت نرم» برابر دانسته و فقط نتایج اعمال آن را با نظرسنجی از افکار عمومی و پوشش رسانه‌ای اندازه‌گیری کرده‌اند. امروز اما تقریباً برای هر محقق بدیهی است که دیپلماسی عمومی، محتوای بسیار بیشتری از آنچه این اصطلاحات به صورت جداگانه منتقل می‌کنند را شامل می‌شود (Gilboa, 2008, p. 74). به نظر می‌رسد مهم‌ترین وجه تمایز بین دیپلماسی و دیپلماسی عمومی در گستره آن است، هم در سطح بازیگر و هم در سطح مخاطب، به طوری که بازیگران دخیل در دیپلماسی عمومی برخلاف دیپلماسی سنتی، تنها دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی نیستند بلکه گستره‌ای از افراد حقیقی و حقوقی تا سازمان‌های مردم‌نهاد^۲ و سازمان‌های دولتی را در برمی‌گیرد. ما در این مقاله بر این مفهوم نظری از دیپلماسی عمومی تکیه خواهیم کرد. روش پژوهش در اثر حاضر، روش علی-مقایسه‌ای و روش گردآوری منابع نیز کتابخانه‌ای است.

۱۴۶

1 . Propaganda

2 . NGOs

۳. زمینه‌های شکل‌دهنده به دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی ایران

دیپلماسی عمومی، به عنوان یک اقدام ارتباطی، ارتباط یک بازیگر بین‌المللی دولتی با مردم کشورهای خارجی تعریف می‌شود؛ که در برخی از سطوح آن، می‌توان ارتباطات عمیقی را با گروه‌هایی از مردم سایر کشورها برقرار ساخت که برای دولت عامل از اهمیت استراتژیک برخوردار باشد. جمهوری اسلامی ایران نیز با تکیه بر قدرت نرم مذهبی خود، منشعب از نهاد شیعه، توانسته است با گروه‌هایی مردمی در سایر کشورها ارتباطاتی استراتژیک برقرار سازد که دیپلماسی شیعی آن را تشکیل داده است. این مقاله در پی دستیابی به زمینه‌ها و ساختار شکل‌گیری دیپلماسی عمومی شیعی در جمهوری اسلامی است که منشعب از سه عامل زمینه‌ای است:

اول؛ قدرت نرم مذهبی جمهوری اسلامی که به عنوان منبع اصلی دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی عمل می‌کند و به طور کلی از دین اسلام و به طور خاص مذهب شیعه ناشی می‌شود.

دوم؛ وضعیت استراتژیک ایران که الزاماتی را به سیاست خارجی جمهوری اسلامی به طور اعم و دیپلماسی عمومی آن به طور اخص تحمیل می‌کند. سوم؛ ساختار تصمیم‌سازی در جمهوری اسلامی که سیاست‌گذاری در سیاست خارجی و به طبع آن دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی متأثر از آن است. در ادامه‌ی این مقاله به تشریح این عوامل خواهیم پرداخت.

۳-۱. قدرت نرم مذهبی جمهوری اسلامی ایران

در سیاست بین‌الملل، منابعی که قدرت نرم تولید می‌کنند تا حد زیادی از ارزش‌هایی که یک سازمان یا کشور در فرهنگ خود از طریق سیاست‌های خود و نحوه ایجاد روابط خود با دیگران، ابراز می‌کنند ناشی می‌شود. ایران به عنوان یکی از کهن‌ترین تمدن‌های بشری دارای منابع عظیم قدرت نرم در ساختار خود است که ناشی از فرهنگ غنی و دیرپای آن است. پس از انقلاب اسلامی در ایران ارزش‌های سیاسی منشعب از قانون اساسی جمهوری اسلامی و همین‌طور ارزش‌های ایدئولوژیک ناشی از مذهب تشیع، رویکرد ایران به دیپلماسی، به

فرهنگ و قدرت نرم را متحول کرد. در جمهوری اسلامی، ارتباط با ملت‌ها به عنوان یکی از ارکان سیاست خارجی این کشور بدل شد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) که امروز با تحول در مبانی سیاست خارجی کشورها و ورود مفهوم دیپلماسی عمومی به سازمان سیاست خارجی کشورها در چارچوب این مفهوم پیگیری می‌شود. با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ه.ش در ایران، تغییرات عمده و اساسی در مبانی و ساختار سیاست خارجی ایران پدید آمد و با توجه به ایدئولوژی حاکم بر ساختار جمهوری اسلامی مبتنی بر آموزه‌های مذهب تشیع، جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر مذهب شیعه، دارای منابع متعدد و غنی در ساختار قدرت نرم مذهبی خود است. با توجه به فرهنگ و ساختار سیاسی در جمهوری اسلامی، برخلاف کشورهای غربی که قدرت نرم در آن‌ها به صورت غیرمتمرکز اعمال می‌شود و بخشی از آن در اختیار صنعت سرگرمی، سازمان‌های غیردولتی و شرکت‌های چندملیتی است، ساختارهای اعمال قدرت نرم در ایران سلسله مراتبی بوده است (Wastnidge, 2015, p. 370)، در حوزه منابع اما به طور کلی منابع قدرت نرم مذهبی در ایران از دو عامل ارزش‌های سیاسی و ارزش‌های اسلامی ناشی می‌شوند که در ادامه به بررسی این منابع خواهیم پرداخت.

۳-۲. ارزش‌های سیاسی

در بعد سیاست خارجی قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصول ۹، ۱۱، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۳ و ۱۵۵ بر مواضعی تأکید دارد که علاوه بر تأکید بر یکپارچگی مسلمانان و حمایت از ملت‌های مسلمان بر استقلال در سیاست خارجی و مبارزه با قدرت‌های استکباری دلالت دارد و به عنوان کشوری که در منطقه غرب آسیا اجازه سلطه قدرت‌های بین‌المللی بر خود را نداده و در برابر ایالات متحده و اسرائیل مقاومت کرده است، الگوی جذابی را به مردم ناراضی از حکومت‌های سنتی در منطقه ارائه می‌دهد (Paunic, 2016. p. 77). این باعث می‌شود اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی علاوه بر جذابیت برای مسلمانان مذهبی در جهان، در بین ملت‌هایی که منتقد وضعیت و ساختارهای موجود بین‌المللی هستند، در ورای کشورهای مسلمان از جمله در بین مردم کشورهای آمریکای لاتین نیز دارای جذابیت باشد که این امر چهره‌ای مثبت از جمهوری اسلامی در بین این جمعیت‌ها ایجاد کرده است و به یکی از اصلی‌ترین منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی بدل شده است.

۳-۳. نهاد شیعه

اگر سازمان قدرت نرم مذهبی جمهوری اسلامی را به یک خیمه تشبیه کنیم، مذهب تشیع عمود این خیمه است. اهمیت «تشیع» در هویت بخشی به ایران سابقه تاریخی طولانی دارد، اما نقطه عطف آن ظهور صفویه در ایران به عنوان یک دودمان حکومتی با تکیه بر مذهب تشیع بود که به ایران شیعه در مقابل حکومت سنی عثمانی هویت متمایز و مستقل بخشید. در تاریخ معاصر اما با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و متعاقب آن شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران بر پایه مبانی شیعه، تشیع در تمامی ارکان اجتماعی و حاکمیتی ایران، از جمله در مبانی کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی نقش اصلی را بر عهده گرفت و در حوزه قدرت نرم نیز با توجه به مفاهیم موجود در آن، تحولی بنیادین در ساختار قدرت نرم ایران پدید آورد که در ادامه به کم و کیف این موضوع خواهیم پرداخت.

۳-۳-۱. فرق و پراگندگی جمعیتی شیعه

امروزه مذهب شیعه ۴ فرقه دارد: امامیه، اسماعیلیه، علوی‌ها و زیدیه؛ که درباره تشیع علوی‌ها در بین علمای شیعه اختلاف نظر وجود دارد. شیعیان امامی یا اثنی عشری، بیشتر جمعیت شیعیان را تشکیل می‌دهند. آنان به امامت دوازده امام اعتقاد دارند که آخرینشان «مهدی موعود» است. اسماعیلیه امامان امامیه را تا امام ششم آن‌ها یعنی امام صادق (ع) می‌پذیرند و پس از او اسماعیل فرزند امام صادق (ع) و محمد پسر اسماعیل را امام می‌دانند و معتقدند او مهدی موعود است. علویان اما وارث یک سنت متمایز مذهبی هستند که یک عقیده کاملاً التقاطی همراه با عناصری با منشأ نامشخص را دربر می‌گیرد. برخی از ویژگی‌های تفکرات علوی‌ها منطبق با تشیع است و شامل احترام به علی (ع) و دوازده امام است، اما در مورد علی (ع)، این احترام به تجسم خدا در او تبدیل شد، به طوری که علی (ع) به عنوان تجسم خدا، محمد (ص) حجاب وی و سلمان فارسی، تبلیغ کننده او بود. این دیدگاه، سه گانه الهی را در دیدگاه علوی‌ها تشکیل می‌داد (Imams and Emirs, 1990, p. 140).

زیدیه که به آن شیعه پنج امامی نیز گفته می‌شود، شاخه‌ای کوچک از مذهب تشیع است که در زمان مبارزات جانشینی در زمان حیات امام پنجم شیعیان در قرن هشتم پایه‌ریزی شده است. زیدیه «از نظر کلامی بین مذهب سنی و تشیع واقع شده است» و حتی «با برخی از

مکتب‌های فقهی اهل سنت» اشتراکاتی دارد (Haykel, 2003, p. 130) و نسبت به مذهب «شیعه اثنی عشری» که در بحرین، ایران، عراق و لبنان اکثریت دارد و بزرگ‌ترین شاخه اسلام شیعه است دارای تفاوت‌هایی است، به عنوان یک نمونه مهم، زیدیه تأکید کمتری بر جایگاه امام دارد و حتی مفهوم معصومیت ائمه را رد می‌کند (Haykel, 2003, p. 291) اما در کلیت تقسیمات مذهبی در اسلام، شاخه‌ای از مذهب تشیع محسوب می‌شود (Day, 2012, p. 31).

«انجمن دین و زندگی عمومی پیو»^۱، شمار شیعیان جهان را بین ۱۵۴ تا ۲۰۰ میلیون نفر و برابر با ۱۰ تا ۱۳ درصد مسلمانان اعلام کرده است (fa.wikishia.net). برپایه گزارش «انجمن دین و زندگی عمومی پیو»، ۶۸ تا ۸۰ درصد شیعیان در چهار کشور ایران، عراق، پاکستان و هند زندگی می‌کنند. ایران ۶۶ تا ۷۰ میلیون شیعه دارد که برابر با ۳۷ تا ۴۰ درصد کل شیعیان جهان است. در هریک از کشورهای پاکستان، هند و عراق هم بیش از ۱۶ میلیون نفر شیعه زندگی می‌کنند. در ایران، جمهوری آذربایجان، بحرین و عراق، جمعیت غالب شیعه است. در خاورمیانه، شمال آفریقا، منطقه آسیا-اقیانوسیه و آمریکا و کانادا هم شیعیان زندگی می‌کند (fa.wikishia.net).

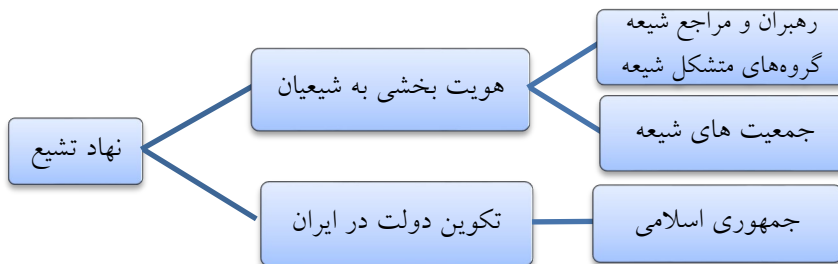
۳-۲-۳. نهاد شیعه و شکل‌گیری مفاهیم نهادی

اهمیت «نهاد تشیع» در ساختار جمهوری اسلامی در این امر است که علاوه بر هویت بخشی به جمهوری اسلامی که باعث تکوین دولت در ایران شده است، با تشکیل یک هویت جمعی مشترک با دیگر شیعیان، اعم از شخصیت‌های شیعه و گروه‌های متشکل و جمعیت‌های شیعه در دیگر کشورها به عنوان مهم‌ترین کشور شیعه و به عنوان بزرگ‌ترین حامی شیعیان جهان به تشکیل «ما»ی مشترک بین جمهوری اسلامی ایران و این جمعیت‌های شیعه منجر شده و به «قدرت نرم مذهبی» جمهوری اسلامی ایران شکل داده است؛ که در نمودار ۱ قابل مشاهده است.

شکل‌گیری این هویت مشترک مستلزم وجود مفاهیمی است که به عنوان عامل وحدت‌بخش نهادی در درون «نهاد تشیع» منجر شوند. انقلاب اسلامی ایران، به عنوان یک جنبش الهام‌بخش برای جوامع و گروه‌های شیعه در جهان توانست مفاهیم اسلامی-شیعی را به عنوان مجموعه‌ای

1. PEW

از روایت‌ها در باب مقاومت اسلامی، عدالت اجتماعی و مبارزه با نابرابری در توزیع قدرت



نمودار شماره ۱- نقش تشیع در ساختار جمهوری اسلامی و ارتباط آن با جمعیت‌های شیعه

(منبع: نویسندگان)

سیاسی و اجتماعی در منطقه و جهان ترجمه کند و این گفتمان را به گفتمان مسلط در درون «نهاد شیعه» تبدیل کند. در این رابطه آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر جمهوری اسلامی بیان کرده‌اند:

«بنده وقتی به این خصوصیت امام نگاه می‌کنم و به آیات قرآن مراجعه می‌کنم، می‌بینم امام حقیقتاً بسیاری از آیات قرآن را با همین ایستادگی خود و مقاومت خود معنا کرد.» (farsi.khamenei.ir, 1398).

همین تفسیر از قرآن و احادیث شیعی بود که مبانی مفهومی شکل‌گیری «منطق مقاومت» به عنوان گفتمان مسلط نهاد شیعه را به عنوان موتور محرکه‌ی شکل‌گیری ارتباطات شیعی در جهان و به خصوص منطقه غرب آسیا مهیا کرد.

در این بین تأکید بر آیاتی از قرآن و روایات و احادیث شیعه که بر مفاهیم مقاومت، ایستادگی مقابل ظلم، ایستادگی مقابل استکبار و ارائه تفسیری از آنها که بر عدم انفعال مسلمانان در مقابل ظلم تأکید می‌کند و ترجمه این مفاهیم به عنوان یک گفتمان سیاسی در درون نهاد تشیع از اهمیت اساسی برخوردار است. جمهوری اسلامی پس از استقرار، همواره در پی ترویج گفتمان مقاومت در جهان اسلام بوده است. مهم‌ترین منبع این گفتمان نیز در نزد رهبران جمهوری اسلامی آیات قرآن بوده است. این آیات و تفسیر آنها که مبانی قرآنی شکل‌گیری گفتمان مسلط نهاد شیعه بر پایه مفهوم مقاومت در درون نهاد شیعه بوده‌اند، به عنوان مهم‌ترین عامل مشروعیت‌زا در ترجمه مفاهیم قرآنی به گفتمان سیاسی مقاومت در

درون نهاد شیعه عمل کرده‌اند، آیاتی چون:

«فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطَّغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» - همان گونه که به تو فرمان داده‌ایم، بر این دین، پایداری کن. کسانی هم که از شرک، توبه کرده و همراه تو ایمان آورده‌اند باید در این مسیر پایداری کنند. مبدا دست از مقاومت بردارید و طغیان کنید و از بندگی خدا منحرف شوید که او به کارهای شما بیناست و در صورت عقب‌نشینی، شما را مؤاخذه خواهد کرد» (آیه ۱۱۲، سوره‌ی هود)

«فَلِذَلِكَ فَادَعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ» - پس به همین خاطر تو نیز آنان را به سوی این آیین واحد الهی دعوت کن و آن‌چنان که مأمور شده‌ای استقامت نما و از هوی و هوس‌های آنان پیروی مکن و بگو: «به هر کتابی که خدا نازل کرده ایمان آورده‌ام و مأمورم در میان شما عدالت کنم؛ خداوند پروردگار ما و شماست؛ نتیجه اعمال ما از آن ما است و نتیجه اعمال شما از آن شما، خصومت شخصی در میان ما نیست؛ و خداوند ما و شما را در یکجا جمع می‌کند و بازگشت (همه) به سوی اوست» (آیه ۱۵، سوره‌ی الشوری).

این آیات و تفاسیر سیاسی ارائه شده از آن‌ها، مفاهیم «مقاومت در برابر ظلم»، «عدم انفعال» و «عدالت طلبی» را به عنوان دال‌های گفتمانی نهاد تشیع در آورده و گفتمان سیاسی «مقاومت» را شکل داده‌اند.

آیاتی همچون: «الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ» - خداوند برنامه‌ها و اهداف دشمنان کافر را و کسانی که در مسیر خدا سنگ‌اندازی می‌کنند، بی‌اثر می‌سازد و آنها را با شکست مواجه می‌کند. (آیه ۱، سوره محمد) نیز با بیان پیروزی حتمی مسلمانان، نیروی محرکه‌ای را در درون شیعه تعریف می‌کند که «مقاومت فعال» در مورد مسائل گوناگون را به عنوان بهترین استراتژی در برابر «دشمن» در آورده است و با بیان: «أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ» - آیا آنان می‌خواهند با طرح این گفتارها و پندارهای باطل بر ضد تو مکر کنند تا دعوت تو را خاموش کنند؟ ولی کافران خود گرفتار نیرنگ خویش شده‌اند. (آیه ۴۲، سوره‌ی طور) مفهوم «پایداری» را به عنوان راهبردی کلیدی در رسیدن به اهداف نهایی

۱۵۲

تعریف شده در نهاد شیعه تبدیل کرده است.

در شکل‌دهی به مفاهیم گفتمان مسلط شیعه توسط آیات قرآن و ترجمه آن به عنوان گفتمان سیاسی، تفسیر مراجع و رهبران شیعه در این مورد و پیوند این آیات با موضوعات روز سیاسی از اهمیت بالایی برخوردار است، در همین رابطه و در تفسیر آیه‌ی ذکر شده در بالا، آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبری جمهوری اسلامی، بیان کرده‌اند:

«آن‌که در واقع دارد فریب می‌خورد، آن‌که دارد حرکت می‌کند به خیال اینکه به سمت قلّه می‌رود در حالی که دارد به سمت حضيض می‌رود، او «الَّذِينَ كَفَرُوا» است؛ یعنی ترامپ، یعنی همین شیاطین، اشرار و احمق‌های دوروبر نظام حاکم‌ی آمریکا؛ این‌ها هستند» (farsi.khamenei.ir, 1398).

همچنین مراجع و رهبران شیعه مفاهیمی همچون «قاعده ید» و «قاعده خلع ید» را که ناظر به استیلا و سلطه مشروع بر اموال و قطع این استیلا در موارد نامشروع است، (محقق داماد، ۱۳۹۴، ص. ۱۹۱) به مفاهیمی سیاسی مبنی بر قطع سلطه بیگانگان و قدرت‌های جهانی بر جامعه مسلمانان و «مستضعفین» تبدیل کرده‌اند و در تقویت این گفتمان، از تفسیر روایات و ادعیه مذهبی ائمه شیعه بهره برده‌اند. در همین زمینه نیز آیت‌الله خامنه‌ای بیان کرده‌اند:

«مجموعه‌ای از اندیشکده‌ها و جمعیت‌های فکری نشسته‌اند طرّاحی می‌کنند برای اینکه ملت ایران را قانع کنند که باید در مقابل آمریکا کوتاه بیاید و چاره‌ای هم نیست. خب ملت ما بحمدالله ایستاده، اما بایستی نیروی معنوی را بی‌درپی تزریق کرد، نیروی معنوی را بی‌درپی باید زنده کرد؛ این یکی از معارف است. در همین دعای صحیفه‌ی سجّادیه [آمده] وَ لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَ لَا كَافِرٍ عَلَيَّ ... يٰلَهُ! یعنی من را مدیون کافر و فاسق نکن، من را محتاج آن‌ها نکن، چشم من به دست آن‌ها نباشد، من در مقابل آن‌ها احساس ضعف نکنم؛ این یکی از معارف است. اینکه از خدا می‌خواهد او را در مقابل دشمن به این وضع دچار نکند، معنایش این است که در مقابل دشمن نباید به این وضع دچار شد.» (farsi.khamenei.ir, 1398).

۳-۳-۳. مرجعیت و رهبری

اهمیت تفسیر قرآن و احادیث و مفاهیمی که از آن‌ها مستفاد می‌شود، توجه را به سمت دیگر

مفهوم کلیدی در شکل‌دهی به نهاد تشیع و گفتمان مسلط در درون آن، یعنی مفهوم «مرجعیت» جلب می‌کند. جایگاه مرجع تقلید در مکتب تشیع، بلندترین پایگاه معنوی و علمی در سلسله‌مراتب مقامات عالی دینی است. مرجعیت را از بعد محتوایی در نزد جمهوری اسلامی می‌توان به پنج مرحله تقسیم کرد، اولین بخش، مرجعیت ضمنی است؛ یعنی همان مرجعیت علمی است که مرجعیت فقهی ذیل آن تعریف می‌شود، مرحله دوم به نحوی است که مرجعیت فقهی پررنگ‌تر و محسوس‌تر می‌شود؛ به طوری که وقتی واژه مرجعیت به کار برده می‌شود، مرجعیت فقهی در اذهان شکل می‌گیرد. گاهی هم واژه «تقلید» را به آن قید می‌کنند تا «مرجع تقلید» تلقی بشود و مراد مرجعیت فقهی را بهتر برساند، در مرحله سوم مرجعیت از حالت فقهی محض خارج می‌شود و به صورت مرجعیت فقهی - اجتماعی درمی‌آید؛ یعنی فقیه فقط نقش فقهی ندارد و مردم به او به تنها به عنوان مفتی نگاه نمی‌کنند. مردم برای او شأن اجتماعی هم تعریف می‌کنند، مرحله چهارم مرجعیت فقهی - اجتماعی - سیاسی است. یک مرجع تقلید در این مرحله رسماً وارد فاز سیاست هم می‌شود، در نهایت به مرحله پنجم مرجعیت فقهی - اجتماعی - سیاسی - مدیریتی و حکومتی می‌رسیم؛ یعنی مرجعیت، رسماً در رأس حکومت قرار می‌گیرد و مدیریت جامعه را به دست می‌گیرد (jamaran.news, 1397).

بر اساس این تعریف مرجعیت، نقش کلیدی در تفسیر راهبرد کلان تشیع بر اساس مقتضیات زمانی برعهده دارد و تمامی ابعاد زندگی شیعیان، از ابعاد معنوی تا ابعاد سیاسی - اجتماعی را دربرمی‌گیرد که به عنوان یک قدرت مشروع در جهت رهبری و انسجام‌بخشی به جامعه شیعه ظاهر شده است.

مجموعه این مفاهیم «تشیع» را به منبع کلیدی برای قدرت نرم مذهبی جمهوری اسلامی ایران تبدیل کرده است که مفهوم «مقاومت» را بر مبنای مفاهیم مستخرج از آن، به کلیدی‌ترین مفهوم سیاست خارجی جمهوری اسلامی و به تبع آن دیپلماسی عمومی شیعی آن تبدیل کرده است.

جمهوری اسلامی ایران، با تکیه بر پررنگ کردن منابع منبعث از اسلام شیعی در ایران که سابقه‌ای دیرپا در هویت بخشی به ایران داشته است و ارائه تفسیری سیاسی از مفاهیم موجود در اسلام شیعی و ترجمه این مفاهیم به منطق مقاومت در عرصه روابط بین‌الملل به تقویت و گسترش قدرت نرم مذهبی شیعی در دیپلماسی عمومی خود مبادرت کرده است که به عنوان یک منبع مهم در ساختار قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است و به عنوان مبنای

عملکرد دیپلماسی عمومی این کشور درآمده است. در ادامه به بررسی مقتضیات استراتژیک و ساختار تصمیم سازی جمهوری اسلامی ایران به عنوان دیگر زمینه‌های شکل‌گیری دیپلماسی عمومی شیعی آن خواهیم پرداخت.

۴. موقعیت استراتژیک ایران

ایران، به عنوان یک جغرافیای سیاسی- فرهنگی دارای ویژگی‌هایی است که مقتضیات حکمرانی در تمامی ابعاد آن را تحت تأثیر قرار داده است. ایران به عنوان دیرپاترین جغرافیای تمدنی موجود در جغرافیای سیاسی جهان دارای ویژگی‌هایی است که همانند یک شمشیر دو لبه امتیازات و تهدیدات استراتژیک فراوانی را با خود به همراه آورده است و امروز ابعاد مختلف حکمرانی از جمله سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به عنوان وارث این حوزه‌ی تمدنی تحت‌الشعاع خود قرار داده است. دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان بخش مهمی از سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی، کاملاً متأثر از این موقعیت استراتژیک است. در این بخش این موقعیت استراتژیک را به عنوان یکی از زمینه‌های سه‌گانه‌ی شکل‌گیری دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی ایران مورد واکاوی قرار خواهیم داد.

۴-۱. تنهایی استراتژیک

با توجه به مرزبندی‌های سیاسی موجود در منطقه غرب آسیا و جهان اسلام، ایران تنها کشور فارسی‌زبان و شیعه در منطقه‌ای است که مشکل از اکثریت سنی مذهب ترکی- عربی است و برای مقابله با تهدیدات خارجی نمی‌تواند به هیچ‌یک از همسنگی‌های قومی- فرهنگی اعتماد کند (Hunter, 2023). در دوران اخیر، جنگ ایران و عراق، جنگ خلیج فارس و حضور گسترده و مستمر ایالات متحده در منطقه و پیامدهای استراتژیک این رخدادها، دو ضرورت استراتژیک را برای ایران پدید آورده است: اول حفظ یکپارچگی به وسیله حفظ خودمختاری اقتصادی و حفاظت از تمامیت ارضی و دوم حضور فعال در منطقه به منظور ایجاد و تقویت شراکت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی که در عملیاتی کردن ضرورت دوم، تبلیغات، اقناع ایدئولوژیک و دیپلماسی عمومی نقش اساسی دارد (Golkar, 2013, p. 16) که در ارتباط

مستقیم با حوزه قدرت نرم مذهبی جمهوری اسلامی است.

تنهایی استراتژیک ایران در منطقه غرب آسیا به این معنی است که جمهوری اسلامی ایران در جهت حفظ یکپارچگی ارضی و امنیت ملی خود نمی‌تواند به هیچ‌یک از قدرت‌های خارجی و یا اتحادهای منطقه‌ای متکی باشد (Hunter, 2023). برخی تنهایی استراتژیک را معادل انزوای ایران دیده‌اند. در صورتی که این امر کاملاً اشتباه است. گزاره «ایران دچار انزوای ژئوپلیتیک است» یا «دچار تنهایی است» فاقد هرگونه بنیان تئوریک و مهم‌تر از آن نمود تاریخی و جغرافیایی است. کشوری که این‌چنین درگیر نیروها و فشارهای ژئوپلیتیکی است، نمی‌تواند دچار به اصطلاح «انزوای ژئوپلیتیکی» باشد (etemadnewspaper.ir, 1399). منطق تنهایی استراتژیک به این واقعیت اشاره دارد که کشوری که مرزهای طبیعی آن سنگر دفاعی آن است بیش از هر چیز باید به قدرت درونزای خود اتکا کند، تنهایی استراتژیک ایران محصول جغرافیای ویژه ایران است. جغرافیای ویژه‌ای که بر دو پایه «نزدیکی» جغرافیایی به خطر و «آسیب‌پذیری» جغرافیایی استوار است. ایران که همواره در قلب خاورمیانه بزرگ یا اوکومن^۱، ناحیه‌ای میان نیل و وخنش (آمودریا یا جیحون)، جای گرفته است خود را همچون دژ خاور نزدیک می‌بیند. به بیان دیگر، ایران پیوندگاهی استراتژیک است که در دهانه سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا نشسته است. گرچه جایگاه ژئواستراتژیک ایران به آن قدرت زیادی داده است، با وجود این، جغرافیای ایران را نفرین کرده است. نگاهی کوتاه به مرزهای جغرافیایی ایران نخستین و مهم‌ترین خصیصه بارز آن را نمایان می‌کند: «فقدان مرزهای طبیعی دفاعی» (Reisinezhad, 2019, p.116) این بدان معناست که ایران نباید و نمی‌تواند از مرزهای خود تنها در منطقه مرزی دفاع کند. شکست نظامی ایران در هر دو جنگ چالدران (۱۵۱۴) و اشغال خرمشهر (۱۹۸۰) آسیب‌پذیری مرزهای طبیعی کشور را تأیید می‌کند (Reisinezhad, 2019, p. 117) این ویژگی جغرافیایی با دو ویژگی ایران زمین دوچندان شده است: پارسی‌زبان بودن و شیعه بودن. ایران یگانه کشور پارسی‌زبان و تنها کشور شیعه است که در خاورمیانه بزرگ عربی-ترکی-سنی محاط شده است؛ بنابراین تنهایی استراتژیک از ویژگی‌های منحصر به فرد ایران پس از انقلاب نبوده است. بلکه محمدرضا شاه نیز تا حدودی دریافته بود که برای حفظ

تمامیت ارضی ایران نمی‌تواند صرفاً به اتحاد خود با غرب تکیه کند، همان‌طور که سفیر ایالات متحده در اواخر دهه ۱۹۴۰ به شاه جوان گفته بود: «آمریکا برای نجات ایران هرگز به جنگ با شوروی نمی‌رود.»

(Reisinezhad, 2019, p. 163). رهبران انقلاب اسلامی اما خصوصاً پس از تجربه تجاوز عراق به خاک ایران دریافتند که ایران برای حفظ تمامیت ارضی خود تنها باید به قدرت درونزای خود متکی باشد. به همین دلیل سرمایه‌گذاری بر روی شرکای مردمی، در منطقه غرب آسیا با هدف گسترش عمق استراتژیک جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا برای حفظ امنیت ملی ایران امری حیاتی است که در سایه‌ی زمینه‌های تاریخی و هژمونی ایدئولوژیک و مذهبی جمهوری اسلامی ایران در منطقه میسر شده است. بدین ترتیب مشاهده می‌کنیم که موقعیت استراتژیک ایران چگونه به عنوان یکی از زمینه‌های سه‌گانه‌ی دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی به آن شکل داده است؛ اما همان‌طور که بیان شد این رهبران جمهوری اسلامی بودند که با در نظر گرفتن این موارد و با تکیه بر مبانی قدرت نرم مذهبی جمهوری اسلامی تصمیم به شکل‌دهی دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی به عنوان یکی از ارکان سیاست خارجی ایران گرفتند که برای شناخت هرچه بیشتر چگونگی شکل‌گیری دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی به عنوان یکی از محورهای کلیدی در سیاست خارجی کشور در ادامه به بررسی ساختار تصمیم‌سازی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی به عنوان سومین زمینه‌ی شکل‌گیری دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی خواهیم پرداخت.

۵. ساختار تصمیم‌سازی در جمهوری اسلامی ایران

توجه به ساختارهای تصمیم‌ساز در بررسی بنیادین هرگونه عملکرد در حوزه‌های مختلف حکمرانی، از جمله حوزه سیاست خارجی، تصویری دقیق‌تر از آنچه در واقعیت در حال وقوع است ارائه خواهد داد. دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. درک فعالیت‌های نهادهای فعال در حوزه‌های گوناگون دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی به عنوان یکی از زمینه‌های شکل‌دهی به دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی و

بررسی چرایی و چگونگی شکل‌گیری این نهادها و جایگاه آن‌ها در سلسله‌مراتب تصمیم‌سازی در این حوزه، ما را در شناخت هرچه دقیق‌تر دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی و به طور خاص حوزه‌ی شیعی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا که موضوع بررسی پژوهش حاضر است، یاری خواهد کرد. به همین جهت در این بخش به چگونگی شکل‌گیری فرآیندهای تصمیم‌سازی در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت.

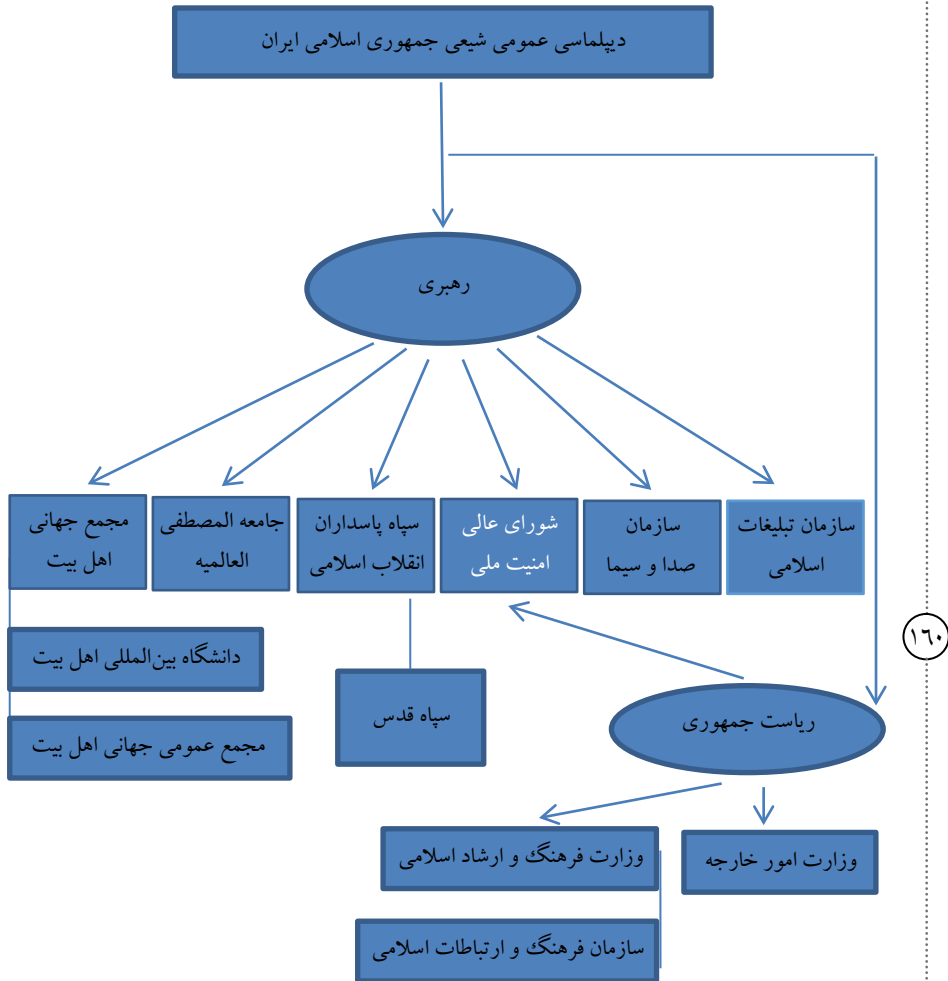
۵-۱. تصمیم‌سازی نهادی و نهادهای تصمیم‌ساز

تصمیم‌سازی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ناشی از تعاملات پیچیده و چندوجهی بین بسیاری از شرکت‌کنندگان دولتی و غیردولتی است. این بازیگران اهداف مختلفی را دنبال می‌کنند، با این حال اما ترسیم روند تصمیم‌سازی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی به اندازه کافی شفاف است. سه گروه فکری در این حوزه در ساختار تصمیم‌سازی سیاست خارجی جمهوری اسلامی قابل شناسایی‌اند که مجموعه‌ای از اهداف مربوط به هویت اسلامی و تعامل آن با هویت ایرانی را مورد بحث قرار می‌دهند. گروه اول بر روی هویت اصلی انقلاب اسلامی و بازگشت به ارزش‌های اسلامی تأکید می‌کنند. این گروه معتقد است که علت اصلی وقوع انقلاب اسلامی در ایران، فقر، سوء تغذیه، ناامنی و درگیری‌های قومی نبود بلکه علت اصلی‌ای که لایه‌های اجتماعی را تحت فشار قرار داد، ناآگاهی و بی‌توجهی به فرهنگ اسلامی و در پیش گرفتن سنت‌های ناعادلانه در بین طبقات اجتماعی و عدم توجه به عدالت و ارزش‌های اسلامی در سیاست خارجی رژیم پهلوی (تحت نفوذ ایالات متحده) بود. این گروه پیشنهاد می‌کنند که مؤثرترین راه برای حفظ ارزش‌های اصیل انقلاب اسلامی، حفظ توده‌های مسلمان به عنوان متحدان وفادار، ایجاد روابط نزدیک با کشورهای اسلامی و پرهیز از روابط نزدیک با ایالات متحده، به عنوان رهبر بلوک قدرت و دشمن امت اسلامی است. موضع گروه دوم این است که ایران یک کشور ملی است و باید نقشی اساسی در رویدادهای بین‌المللی داشته باشد و بهتر است ایران مانند سایر کشورها و بلوک‌های سیاسی در «صحنه روابط بین‌المللی» نقش آفرینی کند. آن‌ها تأکید می‌کنند که روابط تجاری و سیاسی بین‌المللی با تمامی بلوک‌های سیاسی از جمله ایالات متحده، ابزار

اصلی در حفاظت از منافع ملی ایران است. گروه سوم اما هیچ تضادی بین مواضع دو گروه اول به عنوان ارزش‌های اسلامی و منافع ملی ایران متصور نیستند. آن‌ها معتقدند که هویت اسلامی نیز بخشی از منافع ملی ایران است و این دو سیاست در کنار یکدیگر باید پیگیری شوند (Maleki, 1989, p. 351). با این حال، باید پذیرفت که در صحنه تصمیم‌سازی در سیاست خارجی، تعارض اهداف می‌تواند بلا تکلیفی و مواضع متناقض و دارای نوسان توسط واحدهای اداری منفرد را ایجاد کند و عدم وجود انسجام کافی می‌تواند تأثیرگذاری سیاست خارجی ایران را دچار اختلال کند. این در شرایطی است که حضور تمامی این نحله‌های فکری در درون ساختار تصمیم‌سازی جمهوری اسلامی، تصمیم‌گیرندگان منفرد و جناح‌گرایی را نیز به بخش غیررسمی و البته تأثیرگذار در روند تصمیم‌سازی سیاست خارجی جمهوری اسلامی تبدیل کرده است. به همین علت و در جهت جلوگیری از بروز این تعارضات، جمهوری اسلامی ایران یک دستگاه اداری منحصر به فرد را پدید آورده است که خطوط موازی مشورت و تصمیم‌سازی را توسط سلسله‌مراتب مذهبی و دموکراسی پارلمانی و ریاستی خود درهم آمیخته است. در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل نیز فرآیند تصمیم‌گیری را ترکیبی از مهم‌ترین نهادهای اداری حاکمیتی و سلسله‌مراتب مذهبی بر عهده دارند. این ارگان‌های مختلف به تشکیل یک سیستم کنترل و توازن برای برخی از مراحل محوری در روند مشورت و تصمیم‌سازی کمک می‌کنند که نهاد رهبری و سازمان‌های تابعه، نهاد ریاست جمهوری و شورای عالی امنیت ملی در رأس این ساختار حضور دارند، دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی نیز به عنوان بخشی مهم از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تحت همین ساختار تصمیم‌سازی فعالیت‌های خود را پیش می‌برد.

طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی و قانون تأسیس وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، شورای معاونین که به ریاست وزیر امور خارجه تشکیل می‌شود، اختیار دارد که در برخی موارد در پارامترهای وسیع سیاست و منافع ملی ایران عمل کند. با این حال، در تصمیم‌سازی کلی و در وقایع مهم، وزیر امور خارجه مستقیماً به رئیس‌جمهور گزارش می‌دهد، وی تصمیم می‌گیرد که آیا این پرونده مستلزم اقدام توسط هیئت‌وزیران است یا شورای عالی امنیت ملی. وقتی پرونده‌ای دارای ابعاد کاملاً دیپلماتیک، امنیتی و دفاعی به دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی ارسال می‌شود. دبیر شورای عالی امنیت ملی نیز که با پیشنهاد رئیس‌جمهور و تأیید رهبری تعیین می‌شود پس از آماده‌سازی پیشینه پرونده‌ها، آن‌ها را در

جلسه اصلی ارائه می‌دهد. پس از تصمیم شورا در مورد یک اقدام، سپس رئیس‌جمهور که همچنین ریاست شورای عالی امنیت ملی را نیز بر عهده دارد، گزارش را برای رهبر جمهوری اسلامی ارسال می‌کند. اگر رهبری تصمیمات اتخاذ شده را تأیید کند، آنگاه عملیاتی شده و به بخش‌های نظامی و وزارت امور خارجه ارسال می‌شود. نمودار ۲ نحوه جریان داده‌ها و اطلاعات و ترتیب تصمیم‌گیری در بین بخش‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۲- جریان داده‌ها و اطلاعات و ترتیب تصمیم‌گیری در دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی

(منبع: نویسندگان)

۵-۲. سطح فردی تصمیم سازی و نقش رهبری

ساختار قانون اساسی و سلسله‌مراتب سیاسی در جمهوری اسلامی روندهای تصمیم سازی منحصر به فردی را پدید آورده است که بر اساس آن نقش «ولایت فقیه» در این ساختار و فرآیندهای تصمیم سازی در آن قابل توجه است. بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «ولی فقیه» اختیاراتی را داراست که در حوزه کلان تصمیم سازی در جمهوری اسلامی سه اصل را در برمی گیرد: اول؛ تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، دوم؛ نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام، سوم؛ فرمان همه‌پرسی (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

لازم به ذکر است که بر اساس قانون اساسی تمامی اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام توسط رهبری نظام تعیین می‌شوند که با توجه به تعیین سیاست‌های کلی نظام در تمامی حوزه‌ها از جمله حوزه سیاست خارجی پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، نقش تعیین‌کننده‌ی رهبری در ساختار تصمیم سازی کلان جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش نمایان می‌شود.

بر اساس فلسفه‌ی وجودی ولایت فقیه، اقتدار ولایت فقیه و فلسفه‌ی وجودی و اختیارات و وظایف این جایگاه بر اساس نظریه‌ی ولایت فقیه همان جایگاهی است که پیامبر اسلام در حکومت اسلامی دارا است، به طوری که اگر فرد لایقی که دارای این دو خصلت باشد (علم به قانون - عدالت) به پا خاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی که حضرت رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله در امر اداره جامعه داشت، دارا است و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند (خمینی ۱۳۹۲، ص. ۱۴۱). بر این اعتبار، اقتدار جایگاه ولایت فقیه منبعث از جایگاه شرعی و قانونی این نهاد است که به طور روشن ولی فقیه را در رأس هرم تصمیم سازی جمهوری اسلامی از جمله در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد که دیپلماسی عمومی نیز جزئی مهم در این حوزه است. سابقه تاریخی و رویه‌های تصمیم سازی کلان در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز مؤید این امر است، به طوری که در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ که به پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران پایان داد و یا قطع ارتباطات دیپلماتیک بین دو کشور ایران و مصر و بسیاری دیگر از تصمیمات کلان و تأثیرگذار در حوزه سیاست خارجی شخص امام خمینی (س) به عنوان ولی فقیه وقت در جمهوری اسلامی

نقشی تعیین‌کننده داشتند. بر اساس نظریه‌ی ولی‌فقیه، تصمیم‌گیری راجع به هر موضوع، وظیفه‌ی ولی‌فقیه حاضر است و در کل فلسفه‌ی ولایت‌فقیه همین است که در سیر زمان، مصلحت مسلمانان را ولی‌فقیه زمان تعیین می‌کند (خمینی، ص. ۱۵۲).

بر این مبنا در فرایندهای تصمیم‌سازی جمهوری اسلامی در حوزه سیاست خارجی و به طور خاص، حوزه تصمیم‌سازی در دیپلماسی عمومی که موضوع پژوهش حاضر است، علاوه بر سطح نهادی تصمیم‌سازی که تشریح شد سطح فردی تصمیم‌سازی نیز از جایگاه ویژه و تأثیرگذاری برخوردار است که ناشی از تفکرات و ابعاد نظری نزد ولی‌فقیه در جمهوری اسلامی در حوزه سیاست خارجی است که در حال حاضر آیت‌الله خامنه‌ای این جایگاه را در اختیار دارند و نظرات و تفکرات ایشان که در بخش مربوط به نهاد تشیع در این مقاله به اختصار به برخی از آن‌ها اشاره شد، در شکل‌گیری دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی در ابعاد کنونی آن (البته با مشورت نهادهای سیاسی و نظامی موجود در ساختار جمهوری اسلامی) نقش و جایگاه ویژه‌ای را در اختیار دارد که در هر گونه برآورد از روندهای تصمیم‌سازی در این حوزه باید مد نظر قرار گیرد.

در یک نمای کلی اما زمانی که از سازوکارهای حکمرانی در جمهوری اسلامی سخن می‌گوییم می‌توانیم بر تقابل بین جناح‌ها، رقبا و گروه‌ها تأکید کنیم. اگرچه اختلافات واقعی وجود دارد، اما در مورد سیاست خارجی با توجه به مطالب ذکر شده در این بخش نتیجه‌گیری می‌شود که دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران عموماً توسط نهادها و سازمان‌هایی پیگیری می‌شوند که به طور مستقیم و غیرمستقیم زیر نظر نهاد رهبری فعالیت می‌کنند و نهاد ریاست جمهوری و به طور خاص وزارت امور خارجه نقش حاشیه‌ای و یا به نوعی نقش هماهنگ‌کننده را در دیپلماسی عمومی بر عهده دارد؛ که این امر خود به پایداری رویه‌های مرسوم در دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی، با توجه به تغییر سیاست‌های اعمالی توسط دولت‌ها در ایران، منجر شده است و باعث ایجاد یکپارچگی بیشتر در بین سازمان‌های دخیل در این بخش شده است؛ اما همچنان در روند تصمیم‌سازی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی چالش‌های مهمی وجود دارد. لازمه‌ی وجود یک دیپلماسی عمومی مؤثر، تصمیم‌گیری نهادی یکپارچه و به دور از موازی‌کاری در ابعاد مختلف تصمیم‌سازی است، ثبات و نیل به اهداف کلی مشترک مستلزم همکاری مشترک است. رهبری، ریاست جمهوری و

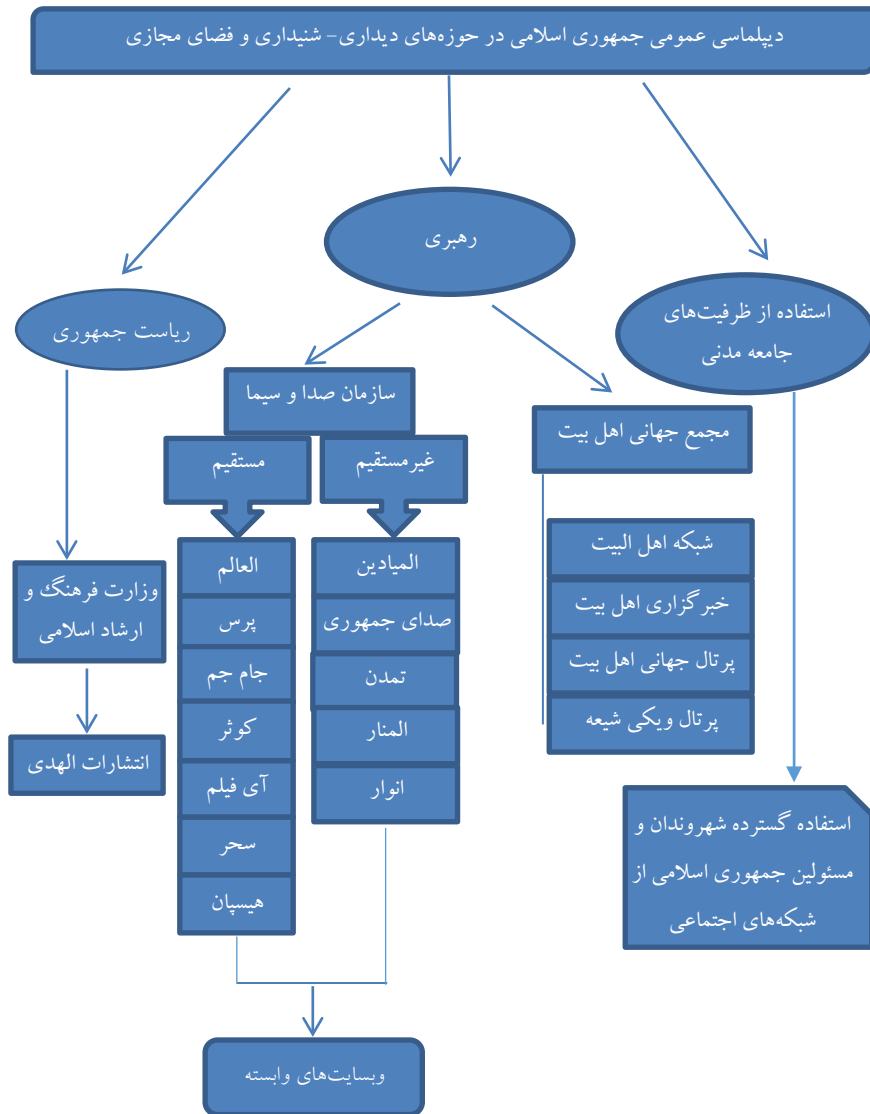
نهادهای منتصب به آنها و همچنین ارکان دیگر دخیل در پیشبرد سیاست خارجی منطقه‌ای جمهوری اسلامی، علی‌رغم وجود اختلافات در برخی موارد در حفظ ثبات و تمامیت ارضی ایران همکاری کرده‌اند. با این حال، فرآیند طولانی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی نیاز به اصلاح دارد. به‌ویژه در زمان بحران، زمانی که نتایج بسیار مهم است و زمان کوتاه، این روند طولانی باید تسریع شود. از همین رو نقش شورای عالی امنیت ملی به عنوان یک نهاد مهم اجماع‌ساز در تجمیع نظرات گوناگون موجود در ساختارهای تصمیم‌سازی جمهوری اسلامی بیش از پیش نمایان می‌شود و لزوم چابک‌سازی نهادی در میان لایه‌های تصمیم‌سازی جمهوری اسلامی در حوزه سیاست خارجی و ایجاد نهادی تجمیعی جهت هماهنگ‌سازی هرچه بیشتر فعالیت‌های دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی که موضوع پژوهش حاضر است احساس می‌شود. این فرایندها و انتخاب‌های ناشی از آن به عنوان یک زمینه‌ی مهم عملکردی در کنار دو عامل قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و موقعیت استراتژیک ایران به فعالیت‌های دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی شکل داده است که در ادامه به ساختارها و نهادهای فعال در بخش‌های مختلف آن خواهیم پرداخت.

۶. ساختارهای فعال دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی

نهادهای فعال در حوزه دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی، عموماً نهادهایی هستند که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم زیر نظر نهاد رهبری در جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند، اداره‌کنندگان سازمان صداوسیما و مجمع جهانی اهل‌بیت به عنوان دو نهاد اصلی فعال در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی در حوزه‌های دیداری-شنیداری و فضای مجازی مستقیماً توسط نهاد رهبری تعیین می‌شوند. در کنار این نهادها سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در این بعد فعال است که در نمودار ۳ قابل مشاهده است.

سازمان تبلیغات اسلامی و نهادهای آموزشی مذهبی جامعه‌المصطفی و دانشگاه بین‌المللی اهل‌بیت نیز که زیر نظر مجمع جهانی اهل‌بیت فعالیت می‌کنند نیز به عنوان نهادهای اصلی فعال در قسمت ارتباطات فرهنگی و آموزشی دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی، تحت سازمان‌دهی مستقیم نهاد رهبری به فعالیت می‌پردازند، در کنار این نهادها، سازمان فرهنگ و

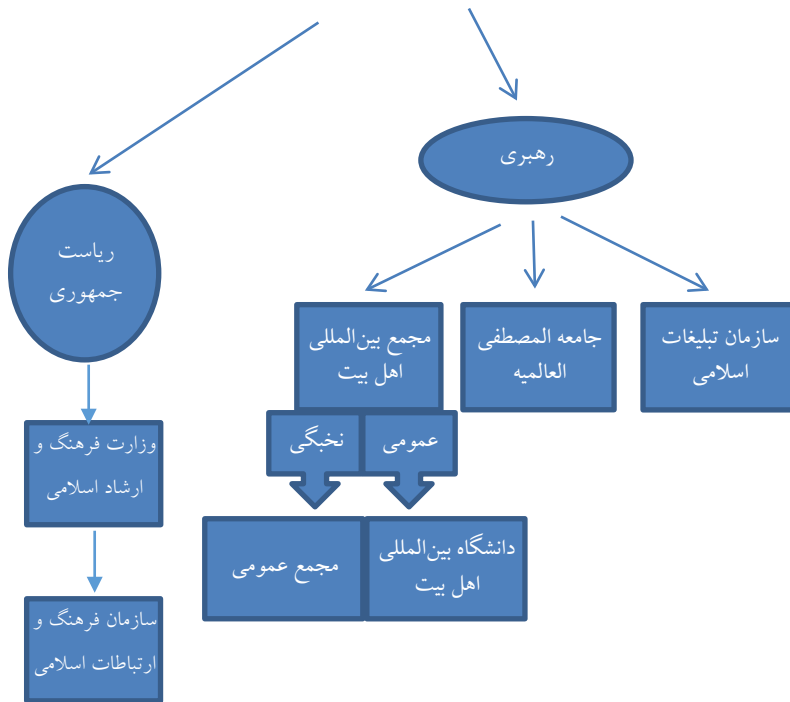
ارتباطات اسلامی نیز زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ساختار ریاست جمهوری اسلامی ایران در بخش ارتباطات فرهنگی دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی مشغول فعالیت است؛ که در نمودار ۴ قابل مشاهده است.



نمودار شماره ۳- ساختار دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی در حوزه‌های دیداری- شنیداری و فضای مجازی

(منبع: نویسندگان)

بخش ارتباطات فرهنگی - آموزشی دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی



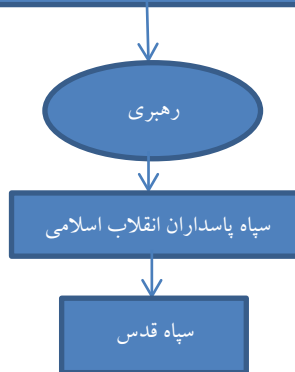
نمودار شماره ۴- ساختار بخش ارتباطات فرهنگی - آموزشی دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری

(منبع: نویسندگان)

۱۶۵

در نهایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و به طور خاص نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی زیر نظر نهاد رهبری به عنوان اصلی ترین نهاد فعال در بخش ارتباط با گروه های متشکل مردمی در دیگر کشورها تحت ساختار دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی ایران از جمله ارتباطات با حزب الله در لبنان، حشد الشعبی در عراق، حماس و جهاد اسلامی در فلسطین و سایر گروه های متشکل و ساختاریافته در حال فعالیت است؛ که در نمودار ۵ مشخص شده است.

بخش ارتباط با گروه‌های متشکل مردمی در دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی



نمودار ۵. ساختار بخش ارتباط با گروه‌های متشکل مردمی در دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی
(منبع: نویسندگان)

نتیجه‌گیری

دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی به عنوان یکی از محورهای دیپلماسی عمومی و به صورت کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس سه زمینه‌ی کلی شکل گرفته است که عبارت‌اند از: قدرت نرم مذهبی ایران که ناشی که از مذهب شیعه است، موقعیت استراتژیک ایران و ساختارهای تصمیم‌سازی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. جمهوری اسلامی ایران، با تکیه بر پرننگ کردن منابع منبعث از اسلام شیعی در ایران که سابقه‌ای دیرپا در هویت بخشی به ایران داشته است و ارائه تفسیری سیاسی از مفاهیم موجود در اسلام شیعی و ترجمه این مفاهیم به منطق مقاومت در عرصه روابط بین‌الملل به تقویت و گسترش قدرت نرم مذهبی شیعی در دیپلماسی عمومی خود مبادرت کرده و این مفاهیم را به عنوان ستون‌های شکل‌دهی به اهداف و ابزار دیپلماسی عمومی شیعی خود تبدیل کرده است. از طرفی وضعیت استراتژیک ایران به عنوان یک کشور پارتی و شیعه در منطقه‌ای با اکثریت کشورهای سنی-عربی-ترکی لزوم گسترش عمق استراتژیک ایران را در فرای مرزهای ایران بر جمهوری اسلامی دیکته کرده است که در این راستا جمعیت‌های شیعه و البته جمعیت‌های

۱۶۶

غیر شیعه که با ارزش‌های جمهوری اسلامی مبتنی بر مفهوم مقاومت همسو هستند را به عنوان متحدانی طبیعی برای جمهوری اسلامی بدل کرده است که به عنوان مخاطبین عمده‌ی دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی بدل شده‌اند. در نهایت نیز، ساختار تصمیم‌سازی در جمهوری اسلامی به کم و کیف و چگونگی عملکرد دیپلماسی عمومی شیعی جمهوری اسلامی شکل داده که بر اساس مباحث مطرح شده نهاد رهبری در این ساختار نقش عمده را دارا بوده و سیاست‌گذاری خرد و کلان را در این حوزه بر عهده دارد. در چارچوب این سه زمینه‌ی کلی، جمهوری اسلامی نه تنها به عنوان حامی شیعیان در جهان، بلکه به عنوان حامی ارزش‌های شیعی که بسیاری از این ارزش‌ها حتی در بین سنی‌مذاهب‌ها نیز مجذوب‌کننده است، ظاهر شده و توانسته است گفتمان دینی خود، خصوصاً «قاعده خلع ید» در مذهب شیعه را به مجموعه‌ای از روایت‌ها در باب مقاومت اسلامی، عدالت اجتماعی و مبارزه با نابرابری در توزیع قدرت سیاسی و اجتماعی در منطقه و جهان ترجمه کند. این امر، زمینه‌های فرهنگی و ایدئولوژیک قدرتمندی را در جهت تقویت گروه‌های متشکل در سایر کشورها فراهم کرده و یک موقعیت خاص استراتژیک را برای ایران پدید آورده است که به عنوان شمشیری دو لبه در ساختار سیاست خارجی جمهوری اسلامی عمل می‌کند. این ارتباطات، ظرفیت‌ها، مزیت‌ها و همچنین هزینه‌هایی را برای منافع ملی ایران پدید آورده‌اند که تفوق مزیت‌های این ارتباطات بر هزینه‌های آن در چارچوب دیپلماسی عمومی شیعی برای جمهوری اسلامی ایران مستلزم رویکردی متوازن بین هزینه‌ها و مزیت‌ها در شکل‌دهی و تداوم این ارتباطات است.

۱۶۷

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: نویسندگان به تنهایی تمام مقاله را نوشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- خمینی، روح‌الله (۱۳۹۲)، **ولایت فقیه**، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- داد اندیش، پروین. افسانه احدی (۱۳۹۰). «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه روابط خارجی، ۳(۱).
- عیوضی، محمدرحیم و علی نوازی و فریبا علی محمدی (۱۳۹۵). «قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و جریان‌های سیاسی شیعه غرب آسیا». دو فصلنامه علمی- پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام ۴(۲).
- متقی، ابراهیم و حمید شایسته (۱۳۹۶)، «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی، ظرفیت‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه مطالعات منافع ملی، ۲(۸)
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۴)، **قواعد فقه، بخش مدنی**، تهران: آگاه.
- Day, Stephen W. (2012) *Regionalism and Rebellion in Yemen: A Troubled National Union*, (New York: Cambridge University Press) : p. 31
- Gilboa, Eytan. (2008) Searching for a Theory of Public Diplomacy. *ANNALS, AAPSS*, 616, March: 74
- Golkar, Saeid (2013). *The Islamic Republic's Art of Survival: Neutralizing Domestic and Foreign Threats, Policy Focus*, no. 125 (Washington D.C.: Washington Institute for Near East Policy).
- Haykel, Bernard. (2003). *Revival and Reform in Islam: The Legacy of Muhammad al-Shawkani*, Cambridge: Cambridge University Press.

- Imams and Emirs: State, Religion and Sects in Islam (1990), London: Saqi Books, 136-41, 198-202
- Maleki, Abbas. (2019) "Iran's Foreign Policy: From Idealism to Realism," *Majalleh Siasat Khareji (The Journal of Foreign Policy)*, Vol. 10, No. 3 (1989), pp. 348-78.
- Paunic, Natalia (2016). *The Rising Shi'a Crescent: Iranian Smart Power and Implications for the Middle East, Central Asia, and the Persian Gulf*, *Carleton Review of International Affairs*, Vol. 3 .p.77
- Reisinezhad, Arash. *The Shah of Iran, the Iraqi Kurds, and the Lebanese Shia*. Switzerland: Springer International.
- Wastnidge, Edward. (2015) "The Modalities of Iranian Soft Power: From Cultural Diplomacy to Soft War," *Politics* 35, nos. 3-4 :364-377.

- بررسی جایگاه و نقش مرجعیت در جامعه (۱۳۹۷/۱۰/۲۹):

<https://www.jamaran.news/fa/tiny/news-1099373> (accessed august 24, 2023)

۱۶۹

- بررسی نظریه «مقاومت» در قرآن: آیات مقاومت، (۱۳۹۸/۰۳/۱):

<https://farsi.khamenei.ir/>. (accessed august 18, 2023)

- بیانات در دیدار جمعی از پاسداران و خانواده‌های آنان (۱۳۹۸/۰۱/۱۹):

<https://farsi.khamenei.ir/> . (accessed august 20, 2023)

- بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام (۱۳۹۸/۱۱/۲۶):

<https://farsi.khamenei.ir> (accessed august 24 , 2023)

– تنهایی استراتژیک معادل انزوای ایران نیست. (۱۳۹۹/۱۱/۱۱):
<https://www.etemadnewspaper.ir/fa/main/detail/16292>. (accessed august 11, 2023)

– جایگاه مرجعیت و حوزه های دینی مجله معارف اسلامی ، شماره ۵۹ ، (آذر، دی، بهمن و اسفند ۱۳۸۳)

– <https://fa.wikishia.net>، (مکتب اهل بیت (ع))

– Shireen Hunter, “Iran’s Geopolitical Predicament and Its Consequences,” *Loble Log*, accessed January 5, 2020, <https://lobelog.com/irans-geopolitical-predicament-and-its-consequences/>. (accessed November 29, 2023).